



پاسخ به

دریافتی نادرست

رضا کرمی



در ششمین شماره فصلنامه قرآنی «بینات» به نوشتاری برخورداریم با عنوان: «درباره آخرین ترجمه های قرآن کریم» به قلم آقای دکتر مجتبیوی که برخلاف انتظاری که از ایشان می رفت، بدون تحقیق، نسبتهایی نادرست در آن مطرح کرده اند. جداً مایه تأسف است که در محیطی که زمینه گسترش فرهنگ اسلام به خوبی آماده شده است و محققان و دانشمندان، به ویژه پژوهشگران علوم قرآنی می توانند با یکدیگر مبادله های علمی و فکری داشته باشند و مشکلات خود را به کمک یکدیگر حل کنند، فردی مانند ایشان براساس پنداری نادرست این گونه دست به قلم برد و بی پروا گروهی را مورد تهمت قرار دهد و آیه شریفه: «یا ایها الذین آمنوا اجتنبوا کثیراً من الظن ان بعض الظن اثم...» را به کلی از یاد برد!

نویسنده در این مقاله، ضمن معرفی ترجمه خود و یادآوری تاریخ انتشار آن و نیز قبول برخی از اشتباهات و نارساییهای اثرش، نوید بازنگری و اصلاح آن را به خوانندگان و قرآن پژوهان داده و آن گاه با مطرح ساختن دو ترجمه ای که اخیراً توسط دفتر مطالعات تاریخ

و معارف اسلامی انتشار یافته (ترجمه آیت الله العظمی مکارم شیرازی و آقای محمدمهدی فولادوند)، با نگرشی سطحی و به دور از تحقیق، به این پندار دست یافته است که گویی گروه محققانی که بررسی این دو ترجمه را به انجام رسانده اند، به طور گسترده از ترجمه ایشان بهره گرفته اند بی آنکه نامی از «مستفادمنه» به میان آورند!! سپس با تلقی آن به عنوان یک حقیقت خدشه ناپذیر، روزنه کوچکی باقی گذارده و نوشته است که: «اگر چنین استفاده ای را انکار خواهند کرد خوب است مرا از اشتباه درآورند» آنگاه اظهار لطف نموده و ما را رهین منت خود قرار داده است که: «قول ویراستاران محترم آن ترجمه را نمی توان معتبر ندانست و خلاف واقع انگاشت!»

بر این اساس ضرورت داشت یکی از افراد گروه، پاسخی هرچند کوتاه بر این پندار بنگارد. ۱. در نوشته یادشده آمده است: «پس از ملاحظه و مقایسه تطبیقی دریافتیم که بیشتر این ترجمه (ترجمه آقای فولادوند) از لحاظ معانی و مفاهیم آیات و عبارات قرآن مجید با ترجمه این جانب یکی است و فرقی ندارد...»

پاسخ: بررسی و تحقیق و تصحیح دو ترجمه موردنظر از اوایل سال ۶۹ در دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی آغاز گردید و در اواخر سال ۷۱ پایان پذیرفت و برای تایپ و انجام امور مربوط به چاپ در اختیار دفتر مطالعات قرار داده شد که اسناد آن موجود و قابل ارایه است، در حالی که ترجمه آقای مجتبی در سال ۷۲ انتشار یافته است؛ با این بیان، در تاریخی که گروه، کار تحقیق و بررسی آن دو ترجمه را به پایان رسانده اند، ترجمه ایشان در دسترس نبوده است، چه رسد به این که از آن استفاده ای صورت گرفته باشد.

گفتنی است که این گروه، خود در دارالقرآن الکریم حضرت آیت الله العظمی گلپایگانی (قدس سره) از سال ۶۸ به ترجمه ای از قرآن کریم پرداختند و گزارشی از آن را ضمن نقدهایی بر ترجمه های موجود، در کیهان اندیشه شماره ۳۸ و ۳۹ ارایه دادند که هم اکنون این ترجمه مراحل نهایی خود را پشت سر می گذارد و به خواست خداوند در آینده ای نه چندان دور در اختیار همگان قرار خواهد گرفت.

۲. در مقاله یادشده در مورد ترجمه آقای فولادوند آمده است: «بیشتر این ترجمه از لحاظ معانی و مفاهیم آیات و عبارات قرآن مجید با ترجمه این جانب یکی است...»

پاسخ: قرآن پژوهان به خوبی می دانند که کار مترجم قرآن دریافت معانی و مفاهیم واژه ها و ترکیب جملات و ریختن آنها در واژه ها و قالبهای زبان مقصد است. گروه تحقیق، کار

بررسی و مطالعه و تعمق در واژه‌ها و عبارات مترجم؛ و تطبیق آن با واژه‌ها و تعبیرات قرآنی را برعهده داشته است تا در صورت برخورد با لغزش و اشتباه، آن واژه یا عبارت را تغییر دهد یا تصحیح نماید. بنابراین در واقع اشکال اساسی نگارنده متوجه آقای فولادوند است که ترجمه خود را که از سی سال پیش به آن پرداخته از ترجمه آقای مجتبی‌ی اقتباس نموده است!!! راستی جای شگفتی است، اگر همه یا غالب جملات و عبارات از گروه تحقیق یا به تعبیر ایشان از ویراستاران باشد، پس برای مترجم قرآن چه می ماند تا به نام او چاپ شود؟! اگر قرار باشد شباهت در جملات، دلیل استفاده گسترده از ترجمه دیگری به شمار رود، از کجا که آقای مجتبی‌ی در ترجمه خود از نسخه چاپ نشده آقای فولادوند استفاده نکرده باشد!!!

نکته مهم، این است که هرگاه قرار باشد متن مشخصی چون قرآن شریف توسط مترجمان متعددی ترجمه گردد طبیعی است که همگان می کوشند براساس یک سلسله قواعد و ضوابط، معانی و مفاهیم و پیام آیات را آن گونه که شایسته و بایسته است دریابند و آنها را در قالب جملات و تعبیراتی روان با واژه‌هایی که برگزیده اند در زبان مقصد بریزند؛ اگر محدودیت واژه‌ها و شیوه رایج در جمله بندی و عبارت پردازی امروز زبان فارسی را در نظر بگیریم، ناگزیر جملات و عباراتی شبیه به یکدیگر پدید می آید و جز در برخی آیات که تفاسیر گوناگونی دارد و هرکس براساس دقت نظر، بینش و سلیقه خود تفسیری را برمی گزیند، عبارات و واژه‌ها به یکدیگر شباهت پیدا می کنند؛ چرا که همه یک متن را از یک زبان خاص به زبان خاص دیگری انتقال می دهند. با این بیان آیا نویسنده مقاله انتظار دارد که دو ترجمه مورد نظر، نه شباهت به ترجمه قرآن، که شباهت به ترجمه نهج البلاغه و یا صحیفه سجادیه داشته باشد؟! آنچه ترجمه های گوناگون قرآن را از یکدیگر تمایز می بخشد، دقت در معانی واژه‌ها و برخی تعبیرات رساتر و گویاتر و یا برخی واژه‌ها و اصطلاحات خاص هر مترجم است و گرنه شباهتها بسیار است.

۳. در مقاله یاد شده آمده است: «تصور می کنم ویراستاران محترم از ترجمه این جانب استفاده گسترده ای کرده اند...»

پاسخ: اگر منظور از ویرایش، نقطه گذاری است که باید گفت این از قواعد و مقررات ویژه ای پیروی می کند که متعلق به هیچ کس نیست؛ و اگر منظور انتخاب واژه‌ها و شیوه جمله بندی است، پیداست که در برابر هر کلمه عربی غالباً پیش از یکی، چند واژه فارسی

یافت نمی شود و ترکیب جملات نیز به طور معمول، الگوی واحدی دارند. بنابراین با وجود ده ها ترجمه ای که هم اکنون از قرآن مجید در زبان فارسی وجود دارد، این گونه سخنان از نویسنده مقاله، به شوخی بیشتر شباهت دارد تا به یک سخن جدی!

۴. در نوشته یاد شده آمده است: «در برخی جاها که عبارت یا لفظی مطلوب نیفتاده (و این جانب خود در ویرایش دوم آنها را اصلاح کرده ام) از ترجمه آقای مکارم بهره برده شده (و معلوم نیست چرا دو صفحه آن، ۵۷۷ و ۵۷۸ از آیه ۴۸ سوره مدثر و تمام سوره قیامت و ۵ آیه اول سوره انسان با ترجمه ایشان عیناً یکی است!)»

پاسخ: این برداشت از ایشان که اهل قلم و کتاب و چاپ و ... است جداً عجیب است! اگر ایشان کمی توجه می کردند به آسانی در می یافتند که برای تصحیح ترجمه آقای فولادوند از ترجمه آیت الله العظمی مکارم استفاده نشده است بلکه از آن جا که این دو ترجمه همزمان از سوی دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی برای تایپ، به یک مؤسسه سپرده شده بود، این دو صفحه به اشتباه جابه جا شده و از یک ترجمه در ترجمه دیگر قرار گرفته است و در واقع یک اشتباه فنی است و به محققان یا ویراستاران این دو اثر ربطی ندارد.

در پایان، ضمن احترام به آقای دکتر محتوی به خاطر ترجمه قرآن شریف و تلاشی که در این راه مبذول داشته است، دیگر بار خاطر نشان می سازیم که نه تنها از ترجمه ایشان در بررسی و تحقیق دو ترجمه مورد نظر هرگز استفاده نشده است که آن را مدتها پس از پایان کار دیده ایم؛ و اگر ایشان ما را مکلف به پاسخگویی نکرده بودند، این مسأله را چندان با اهمیت تلقی نمی کردیم که به خاطرش دست به قلم ببریم.

